

In the name of Allah

the Most Merciful, the role of stonewalling in the decline of Muslims in the intellectual system of Martyr Motahari (May Allah have mercy on him)

Siedah Kobra Hosseini Momin¹, Zainab Elahinejad², umm al-Binin Elahinejad³

Abstract

Various things have been remembered throughout history for the people of that society. But it should always be noted that several factors threaten this historical process, and by examining and recognizing these pests, one can preserve one's social and civilizational life. Petrification is one of the destructive factors of civilization and the intellectual damage and thinking of humans throughout history, which has led to the downfall and intellectual degeneration of many people and societies. Understanding petrification and its impact on the modern Islamic civilization can protect us from facing its destructive effects and help to preserve the modern Islamic civilization. Therefore, this article explains the role of stoning in the decline of Muslims based on the intellectual system of martyr Motahari (may God have mercy on him). This research was done with descriptive-analytical methods, and historical sources were used. Based on the findings of this research, division separation and religious avoidance are the effects of petrification.

Keywords: petrification, stagnation, civilization, modern Islamic civilization

1. Mentor, Level 3 graduate, Al-Zahra Community (peace be upon them), Qom .

2. Second level student, Hazrat Khadija (peace be upon her) seminary Qom.

3. Second level student, Hazrat Khadija (peace be upon her) seminary. Qom.

بسم الله الرحمن الرحيم

نقش تحجر در انحطاط مسلمین مبتنی بر منظومه فکری شهید مطهری

(رحمه الله علیه)

سیده کبری حسینی مومن^۱، زینب الهی نژاد^۲، ام البنین الهی نژاد^۳

چکیده

تمدن و فرهنگ هر جامعه میراث گران بهایی است که با گذشت از فراز و نشیب های مختلف در طول تاریخ برای افراد آن جامعه به یادگار مانده است. اما همواره باید توجه نمود که عوامل متعددی این روند تاریخی را تهدید می نماید و با بررسی و شناخت این آفات می توان، حیات اجتماعی و تمدنی خویش را حفظ نمود. تحجرگرایی یکی از عوامل مخرب تمدن و آسیب های فکری و اندیشه انسان ها در طول تاریخ است که منجر به سقوط و انحطاط فکری بسیاری از افراد و جوامع گردیده است. شناخت تحجر و تاثیر آن بر تمدن نوین اسلامی می تواند ما را از مواجه با آثار مخرب آن مصون دارد و کمک شایانی به حفظ تمدن نوین اسلامی نماید. از این رو این مقاله به تبیین نقش تحجر در انحطاط مسلمین مبتنی بر منظومه فکری شهید مطهری (رحمه الله علیه) پرداخته است. این تحقیق با روش توصیفی- تحلیلی انجام شده و از منابع تاریخی استفاده شده است. بر اساس یافته های این تحقیق، تفرقه و جدایی و دین گریزی از آثار تحجرگرایی است.

واژگان کلیدی: تحجر، جمود، تمدن، تمدن نوین اسلامی

^۱. استاد راهنما، دانش آموخته سطح سه، جامعه الزهرا (سلام الله علیها)، قم.

^۲. طلبه مقطع سطح دو، حوزه علمیه حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، قم.

^۳. طلبه مقطع سطح دو، حوزه علمیه حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، قم.

مقدمه

با خروج انسان‌ها از زندگی بدوی و ورود به زندگی شهرنشینی و راه و رسم انسانیت و ترقی، تمدن به وجود آمد. تمدن حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی است (۱۱). تمدن دارای دو جنبه مادی و روحی است. مادی همان نیروی حسی و تمام آن چیزهایی است که از حس پیروی می‌کند و یا آن را مدد می‌رساند. اما جنبه روحی یا نیروی معنوی آن عبارت از هدف‌های شریف انسانی و اخلاقی و سعی در رسیدن به آن‌ها است (۴). با دعوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) در مکه و حکومت در مدینه، تمدن اسلامی شکل گرفت. لذا می‌توان بیان نمود که تمدن اسلامی در واقع بیان‌کننده فرهنگ، تاریخ، سنن و باورهای دینی مسلمانان می‌باشد و بدین جهت نقطه آغاز آن به پیدایی اسلام بر می‌گردد.

تمدن نوین اسلامی که جوانه‌های شکوفایی آن با انقلاب اسلامی ایران پدیدار گردید، در سال‌های اخیر با بروز جنبش‌ها و قیام‌های مردمی در میان ملت‌های مسلمان جهان که با نام بیداری اسلامی شناخته شده است روندی رو به رشد به خود گرفته است. با الگو برداری از انقلاب اسلامی ایران و مشاهده پیشرفت‌های شگرفی که با اتخاذ نگرشی نوین در فرایند تمدنی جهان صورت گرفته است، جرقه‌های بازیابی عظمت گذشته تمدن اسلامی زده شده است. با توجه به عدم اقتناع فکری و فرهنگی بشر از طریق پیروی و بهره‌گیری از تمدن‌های موجود و رویکرد و اقبال گسترده و روزافزون جوامع بشری به اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی که موجبات نگرانی دولت‌های غربی را نیز فراهم نموده است، لزوم هوشیاری و توجه دقیق در مساله ایجاد، پرورش و گسترش تمدن نوین اسلامی بیش از پیش نمایان است. تمدن اسلامی نه یک مسیر کاملاً مستقیم را طی کرده و نه یک خط صعودی را، بلکه خط منحنی دندانه‌ای داشته یعنی بعضی اوقات در اوج و گاهی در اثر عوامل مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی طبیعی، دوران‌هایی با رکود مواجه بوده است. یکی از علل انحطاط مسلمین، تحجر است. تحجر از موضوعاتی است که شهید مطهری (رحمه الله علیه) بابت رسوخ آن در اندیشه‌های دینی نگرانی‌های فراوانی داشته است و آن را جریانی خطرناک و آسیب‌زا در درون اسلام می‌داند زیرا، متحجران از اسلام جز آموزه‌های بسته و انعطاف‌ناپذیر در برخورد با اقتضائات زمان و مکان و تغییر موضوع ندارند و هرگز پذیرای فقر اندیشه و عمل خویش و بازنگری فکر و فعل به اصطلاح، اسلامی خود نیستند و همواره تحول‌ناپذیرند. متحجران با ایستا کردن تفکر و تعقل، موجبات عدم گسترش و فقر اندیشه را در فرهنگ و تمدن اسلامی فراهم ساخته‌اند. در زمینه نقش تحجر در انحطاط مسلمین تحقیقاتی نوشته شده است؛ مانند مقاله «تحجر، قشری‌نگری و تاثیر آن بر تمدن اسلامی در قرآن و حدیث» اثر مهدی اکبرنژاد و نرگس شکر بیگی (۱)، که در این پژوهش نقش تحجر از منظر قرآن و احادیث مورد بررسی قرار گرفته است ولی اشاره‌ای به دیدگاه

شهید مطهری (رحمه الله علیه) نشده است و مقاله «تحجر و تجدد از منظر استاد شهید مطهری» اثر محمد جواد رودگر (۲)، در این نوشتار نقش تحجر به صورت پراکنده و در قالب گزاره های کلی مورد بررسی قرار گرفته است. لذا این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه ای در صدد پاسخ به این پرسش است که نقش تحجر در انحطاط مسلمین مبتنی بر منظومه فکری شهید مطهری (رحمه الله علیه) چیست؟ و برای پاسخ به پرسش یاد شده معنای تحجر و سپس آثار تحجر در انحطاط مسلمین از منظر شهید مطهری (رحمه الله علیه) مورد بررسی قرار می گیرد.

1. تحجر

یکی از دلایل انحطاط مسلمانان از دیدگاه شهید مطهری (رحمه الله علیه)، تحجر است. برای درک تأثیر تحجر در تمدن نوین اسلامی باید به تعریف و تبیین دقیق آن پرداخت. تحجر معانی متعددی دارد که از آن جمله می توان به ایستایی، تحول ناپذیری، جمود و برنتابیدن فرهنگ و ارزش های حقیقی و متعالی اشاره کرد (۲). تحجر در حوزه اندیشه و تفکر رخ می دهد و اگر در زمینه گرایش و رفتار ظاهر شود، جمود نام دارد. در مفاهیم قرآنی نیز از تحجر به عنوان مرحله یا مانعی برای شناخت حقیقت یاد شده است: «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً...» (بقره، ۷۴). از دیدگاه شهید مطهری (رحمه الله علیه) تحجر، دوری جستن از فکر و خرد و عقلانیت و اندیشه ورزی است. استاد مطهری (رحمه الله علیه)، متحجر را دگم اندیش و جمود باور می داند که حاضر نیست به اندیشه ها و ایده های غیر از خود کمترین توجه ای داشته باشد (۲).

شهید مطهری (رحمه الله علیه) معتقد است متحجرین، کهنه گراها و مرتجعینی هستند که تلاش می کنند تا قطعه تاریخی صدر اسلام را با تمام ویژگی ها و مختصات پدیداری اش، نظیر شرایط جغرافیایی، اجتماعی و روانی، در زمان حال و آینده باز تولید کنند. آن ها از هر چه نو است متنفرند و با کهنه خو می گیرند. از نظر آن ها دین مامور حفظ آثار باستانی است و نزول قرآن برای آن است که جریان زمان را متوقف کند و اوضاع جهان را به همان حالی که هست میخکوب نماید. آن ها معتقدند که هر وضعی که در قدیم بوده است، جزء مسائل و شعائر دینی است و باید حفظ و نگهداری شوند. آن ها از اسلام جز آموزه های بسته، رسوب شده و انعطاف ناپذیر انتظار ندارند و همواره راکد و تحول ناپذیرند (۷). استاد مطهری (رحمه الله علیه) قائلند که انسانی که گرفتار تعصب ها و تحجرها باشد از آزادی معنوی و عقلی محروم است (۵). و نیز شهید مطهری (رحمه الله علیه) می فرمایند: «بعضی افراد به حکم جمودی که دارند خیال می کنند دین اسلام آمده است که اوضاع عالم را از هر جهت ثابت و دنیا را به شکل موزه آثار باستانی درآورد. از این رو با هر چیز تازه ای مخالفند؛ هر چند شاید آن چیز تازه با هدف های دین اسلام سازگارتر

باشد. این افراد اسیر عادات و مأنوسات خودشان هستند و به آن عادات و مأنوسات، رنگ دینی و مذهبی می دهند» (۶).

متحجر با رویکردهای افراطی و تفریطی از خط اعتدال خارج و گرفتار بیماری خطرناک توقف، سقوط و انحراف است و در تفسیر و برقراری ارتباطهای چهارگانه «خود با خدا» «خود با خود» «خود با جهان» و «خود با جامعه» عاجز و آسیب پذیر است. به تعبیر دیگر، اسلام ناب، هم با «جمود» و هم با «جهالت» مخالف است و خطر هر دو را متوجه خود می داند (۷). لذا می توان بیان نمود که تحجر علت عدم پذیرش حق و گرایش به کمال و سعادت واقعی است و متعاقباً مانعی جدی در شکوفایی اندیشه دینی و ایجاد تعامل مثبت نظری و عملی با حقیقت، معرفت، حکمت، حکومت، مدیریت و سیاست و حتی تقدیر معیشت است و متحجران جز به تعالیم بسته و انعطاف ناپذیر تن نمی دهند (۲).

شهید مطهری (رحمه الله علیه) متحجرین را دارای اقسامی دانسته اند که عبارتند از:

دسته اول: جریانی که تئوری «حسبنا کتاب الله» را در رسیدن به مقاصد حکومتی و سیاسی مطرح کردند. این جریان به مهجوریت عترت و انزوای سنت و سیره نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم) انجامید.

دسته دوم: جریانی که تئوری «حسبنا احادیثنا و اخبارنا» را طرح کردند و به مهجوریت قرآن کریم اهتمام ورزیدند و جامعه را از معارف و آموزه های اصیل و حیاتی باز داشتند.

دسته سوم: جریانی که در قالب تقدس، مسئله معرفت ناپذیری و دست نیافتنی بودن آموزه های قرآنی را مطرح کردند و با شعار «این التراب و رب الارباب» به «تعطیل فکر» انجامید که آنان را معطله نامیده اند (۹).

بر اساس این سه دسته جریان هایی مانند «اخباری گری ها و ظاهرگرایی» در برابر جریان «باطن گرایی و تاویل گرایی» یعنی دو نظام فکری معیوب و آسیب دیده حنبلیان و اسماعیلیان از یک طرف و جریان اخباری گری در حوزه اندیشه شیعی از طرف دیگر، ضربات سخت و سنگینی را بر پیکر فرهنگ و تمدن اسلامی وارد کردند که به تعبیر استاد مطهری (رحمه الله علیه) ضربه ای که اسلام از دست اخباری گری خورد، از هیچ گروه و جریانی نخورد (۲).

۲. آثار و پیامدهای تحجرگرایی در انحطاط مسلمانان

شناخت آثار و پیامدهای تحجر، گامی در تقویت ارکان تمدن نوین اسلامی خواهد بود؛ زیرا با شناخت پیامدهای منفی و رفع آن می توان از بروز پیامدهای آن جلوگیری نمود. مهم ترین پیامدهای تحجرگرایی از دیدگاه شهید مطهری (رحمه الله علیه) عبارتند از:

۲-۱. تفرقه و جدایی

یکی از آثار تحجر، تفرقه و جدایی است. فرقه گرایی از آن جهت خطرناک است که اختلاف و تفرقه را در پی داشته است و دارد، چنان که مشاهده وضعیت مسلمانان در قرون اولیه اسلامی این موضوع را تایید می نماید. اگر روحیه خارجی گری نمایان نمی شد و خوارج به عنوان یک فرقه از بدنه سپاه امیر المومنین (علیه السلام) جدا نمی شدند، هرگز حاکمیت به معاویه ها نمی رسید. اگر جمود و جهالت بر جامعه مسلمانان حاکم نمی شد، هرگز معاویه و یزید، امیرالمومنین خوانده نمی شدند؛ تمامی این وقایع ناشی از جمود است (۱).

در قرآن کریم می خوانیم: «... تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكِ بَآئَهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» (حشر، ۱۴) آنان را متحد می پنداری ولی دل هایشان پراکنده است. زیرا آنان مردمانی اند که نمی اندیشند». علامه طباطبائی (رحمه الله علیه) می فرماید: «علت پراکندگی و اختلاف آن ها هم این است که مردمانی اند که فاقد تعقل هستند. زیرا دل های کسانی که به خلاف عقل عمل کنند، پراکنده بوده و با هم اختلاف دارند؛ حال آن که داعی عقل یکی است، عقلی که به طاعت خدا و نیکی کردن دستور می دهد، یاران خود را به یکسو می برد و آن ها را از تفرقه و جدایی برحذر می دارد» (۳). البته این جدایی و تفرقه تنها در موضوع فرقه های مذهبی خلاصه نمی گردد، بلکه جدایی دین و مذهب از مسائل سیاست، یکی از پیامدهای منفی تحجرگرایی است. برداشت متحجرین چنین است که دین امر معنوی و سیاست امر دنیوی و مادی است، لذا در سیاست مداخله نمی کنند. این گروه غالباً انسان های متحجر و عافیت طلبانی هستند که توان درک نظامات اجتماعی و سیاسی اسلام را ندارند؛ صرفاً به اخلاقیات دین مشغولند و اگر در بعد سیاسی و نیز مسائل سیاسی اسلام را بفهمند، به علت فقدان اراده، عزم انقلابی و عزت طلبی، دین را به سهولت وا می نهند (۱۰).

توجه به این نکات و دقت در تاریخ می تواند از راز سرنگونی و عدم امتداد بسیاری از تمدن ها پرده بردارد. زیرا اگر جامعه ای دچار تفرقه شود، به دنبال آن نفاق و جدایی بین احاد جامعه به وجود خواهد آمد و این موضوع زمینه بروز انحطاط یک تمدن را در پی خواهد داشت. بنابراین تفرقه و جدایی که یکی از آثار تحجر است منجر به انحطاط مسلمین می شود. همان گونه که با مطالعه تاریخ، به ویژه تاریخ صدر اسلام نمونه های متعددی از این گونه نفاق ها، تفرقه و جدایی ها دیده می شود که هر کدام از آن ها آسیب های فراوانی بر جامعه اسلامی وارد نمودند.

۲-۲. دین گریزی

یکی دیگر از آثار تحجر، خشک و بی روح شدن دین و نهایتاً دین گریزی است. تحجر باعث می شود که دین به شکل ارتجاعی تفسیر شود. دینی که نه تنها با مقتضیات زمان و مکان مطابقت ندارد، بلکه با پیشرفت های بشری نیز مخالفت می کند. به عبارت دیگر متحجران، به علت این که سطحی نگر هستند، یا برداشت های غلط و نادرست از دین و معارف دینی را ترویج می کنند، باعث دین گریزی افراد جامعه به ویژه جوان و غیر مسلمان خواهند شد؛ زیرا این گونه افراد در بسیاری از اوقات دین را مساوی با معنویت می انگارند و دین را تا حدیک نیاز معنوی کاهش می دهند و این گونه نتیجه می گیرند که نیاز به معنویت فقط در مواقع سختی ها و بحران های شدید مفید است. در سایر مواقعی، نیازی به دین نیست و برای دین نقشی در زندگی روزمره قائل نیستند. از سوی دیگر غیر مسلمانان نیز با اندیشه های ناب دینی آشنا نشده و این گونه سطحی نگری ها، لطمه جبران ناپذیری در جلب آنان برجای خواهد گذاشت. این دیدگاه ساده انگارانه و کاهش گرایانه نسبت به معارف دینی به تدریج موجب حذف دین از زندگی انسان می شود. در نتیجه چنین افرادی با کوچک ترین شبهه ای منحرف می شوند. حضرت نوح (علیه السلام) با صراحت یکی از عوامل بی ایمانی قوم خود را عدم معرفت صحیح به آموزه های دینی معرفی می کند و در این باره به قوم خود می فرماید: «وَيَا قَوْمِ لِمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ هَلْأَبْرَأُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنِ اجْرَىٰ إِلَّآ عَلَى اللَّهِ وَ مَا لَنَا بِطَارِدٍ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِهِمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَلَكِنِّي أَرَأَيْتُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ» (هود، ۲۹).

شهید مطهری (رحمه الله علیه) می فرماید: «اسلام با جمود مخالف است. جمودها و خشک مغزی ها و علاقه نشان دادن به هر شعار قدیمی و حال آن که ربطی به دین اسلام ندارد، بهانه به دست مردم جاهل می دهد که اسلام را مخالف تجدد به معنی واقعی بشمارند» (۷). استاد مطهری (رحمه الله علیه) جمود را مربوط می داند به ضعف عقل و نه به کم علمی. به نظر وی تبعیت از اسلاف و شهرت و اجماع، نوعی جمود است (۵) و فرد جامد، هسته و پوسته را از هم تمیز نمی دهد، درجه اهمیت را درک نمی کند و شخصیت و افکار آن ها را دین می پندارد (۵). بنابراین تحجرگرایی باعث دین گریزی و نهایتاً انحطاط مسلمانان می شود.

نتیجه گیری

همواره، عوامل و خطراتی تحقق و تداوم تمدن ها را به مخاطره می اندازد. یکی از عوامل مهم انحطاط مسلمین، تحجر است. تحجر مشکل جوامع امروز یا دیروز بشر نیست، بلکه قدمتی دیرینه دارد و عارضه ای است فکری، که در فرد، خانواده، قبیله، قوم و جامعه بروز می کند. تحجر معانی متعددی دارد که از منظر شهید مطهری (رحمه الله علیه) به معنای دوری جستن از خرد و عقلانیت و اندیشه ورزی است.

تحجر سبب عدم پذیرش حق و گرایش به سعادت واقعی می شود. در واقع انسان متجر، پيله سخت و نفوذ ناپذیر فکری به دور خویش می تند و به هیچ وجه حاضر به تغییر افکار و عقاید خود نیست. متحجران همواره راکد و تحول ناپذیرند. شناخت آثار و پیامدهای مهم تحجر مانند تفرقه و جدایی و دین گریزی می تواند کمک بسزایی در رفع این خطر اجتماعی داشته باشد. در حقیقت توجه به ابعاد فکری و رواج اندیشه ورزی در جامعه می تواند حیات و تمدن آن جامعه را تضمین نماید. بنابراین یکی از گام های موثر در تحقق و حفظ تمدن نوین اسلامی، شناخت عواملی است که می تواند مانع پیشرفت و تداوم تمدن باشد.

منابع و مآخذ

قرآن الکریم

۱. اکبرنژاد، مهدی و شکریگی، نرگس، (۱۳۹۳)، «تحجر، قشری نگری و تاثیر آن بر تمدن اسلامی در قرآن و حدیث»، هشتمین همایش بین المللی پژوهش های قرآنی، ص ۲۶، قم.
۲. رودگر، محمدجواد، (۱۳۸۲)، «تحجر و تجدد از منظر استاد شهید مطهری»، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۲۶، ص ۴۷، قم.
۳. طباطبائی، محمد حسین، مترجم محمد باقر موسوی، (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، چاپ پنجم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۶۰۲ ص.
۴. کسمایی، علی اکبر، (۱۳۵۴)، قرن دیوانه بحران تمدن و فرهنگ و نادانی های دوران بشر، چاپ دوم، انتشارات بعثت، تهران، ۱۸۸ ص.
۵. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۹)، پانزده گفتار، صدرا، تهران، ۲۸۶ ص.
۶. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۹)، یادداشت های استاد، ج ۱۰، صدرا، تهران، ۵۵۱ ص.
۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۹)، نظام حقوق زن در اسلام، صدرا، تهران، ۴۶۹ ص.
۸. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۱)، مجموعه آثار، ج ۲۱، صدرا، تهران، ۵۱۰ ص.
۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۱)، مجموعه آثار، ج ۶، صدرا، تهران، ۱۰۹۸ ص.
۱۰. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲)، بیست گفتار، چاپ سوم، صدرا، تهران، ۳۲۶ ص.
۱۱. ولایتی، علی اکبر، (۱۳۸۶)، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۱، مرکز چاپ و نشر وزارت امور خارجه، تهران، ۲۹۶ ص.